زندگی جاری می‌شود

تعدادی از گروه‌های خیریه برای رسیدن آب به روستاهای محروم استان سیستان و بلوچستان با یکدیگر همکاری می‌کنند

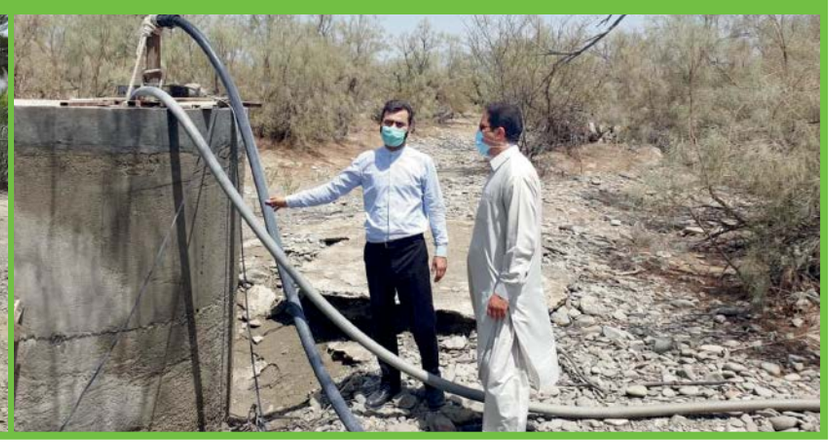

جهادگران و خیران، با تهیه مخزن، لوله و دیگر تجهیزات لازم به جای شدن آب لوله‌کشی در نیک‌شهر کمک کردند

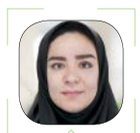

نرگس خانعلی‌زاده

جامعه

دخترک هفت یا هشت سال بیشتر ندارد؛ لباسی محلی بلوچی و سرتاسر قرمز و با پولک‌های طلایی به تن کرده و شال همرنگ لباسش را روی دوشش می‌اندازد تا راحت‌تر دستش را زیر آب پرفشار که از لوله قطوری که به‌تازگی در روستا جریان پیدا کرده بگیرد. همین کار را هم می‌کند و بعد لبخند دلنشینی روی لبانش می‌نشیند، از آن لبخندهایی که از یک تجربه تازه و خوش، روی صورتش نقش می‌بندد. اما چه غم‌انگیز که چنین اتفاقی، تجربه‌ای تازه و جدید برایش محسوب می‌شود، حتی برای پدر و مادرش. انگار که جریان آب در خانه‌هایشان تازه‌ترین اتفاق خوشی است که این روزها آن را لمس می‌کنند: «فکر می‌کنم از امروز به بعد زندگی برایمان آسان‌تر باشد.» این را پدر دخترک می‌گوید؛ او که آب زلال جاری از شیر آب را به صورتش می‌زند و مدام از همه کسانی که آب را به روستای سیف‌آباد نارویی رسانده‌اند تشکر می‌کند: «ما واقعا در تامین آب با دردسر مواجه بودیم.» اما حالا دیگر اوضاع کمی فرق کرده است.

حکایت روستاهای اطراف شهرستان نیک‌شهر سیستان و بلوچستان، حکایت مردمانی است که برای تامین بدیهی‌ترین نیازهای روزمره‌شان مانند استحمام و شست‌وشو و حتی آب خوردن، باید شال و کلاه می‌کردند و دبه به دست، خودشان را به چشمه می‌رساندند. اما حالا اوضاع برخی از این روستاها، با روزهای قبل کمی فرق کرده است؛ وضعیتی که به همت خیرین و جهادگران تغییر کرده و امکانی به نام دسترسی به آب لوله‌کشی برایشان فراهم شده است. همین‌قدر ساده و همین‌قدر عجیب. این را حسین اصغر روکی، نماینده خیرین و هماهنگ‌کننده حوزه خدمت‌رسانی آب در این شهرستان می‌گوید که با هرکسی از اهالی روستا که حرف می‌زنم، نام او را برای تشکر از آبی که در خانه‌هایشان جاری شده، از قلم نمی‌اندازد.

حسین اصغر روکی، کارشناس امور قرآنی اداره تبلیغات اسلامی شهرستان نیک‌شهر سیستان و بلوچستان است. کارمندی که یک صبح تا عصر مشغول کار است و عصر به بعد وقتش را به رسیدگی و هماهنگی امور خیریه و به‌خصوص خدمت‌رسانی در حوزه آب اختصاص داده است. این روزها، نماینده خیرین نیک‌شهر تمام هم و غمش را بر آبرسانی به روستاهای اطراف این شهر گذاشته است، روستاهایی که از روز اول تا همین چند هفته پیش، با پدیده‌ای مثل باز کردن شیر آب و در اختیار داشتن آب غریبه بودند اما حالا به همت ایشان، خیرین و مؤسسات خیریه حاج اکبر ابراهیمی و بنیاد سفیر کرامت، این اتفاق افتاده است. این روزها، آقای روکی که غیربومی آن منطقه محسوب می‌شود، کمر همت بسته تا روستا به روستا، راه آب به خانه‌های این روستاها را باز کند، انگار که خودش خاطره تلخی از بی‌آبی روزهای کودکی‌اش دارد: «من اهل روستای روکی در سبزوار هستم. خوب به خاطر دارم که برای تامین آب خانه، از قناتی پر آب در روستایمان استفاده می‌کردیم و آب به خانه می‌آوردیم.» او از روزهایی می‌گوید که پدر و مادرش دبه به دست به قنات می‌رفتند و دست پر به خانه برمی‌گشتند: «اما در یک مقطع زمانی، آب این قنات خشک شد و یادم هست که چه روزهای سختی را از بی‌آبی گذراندیم.» حالا که همراه با همسرش در نیک‌شهر زندگی می‌کند و سختی زندگی روستاییان را می‌بیند، یاد همان روزها افتاده است: «به این فکر کردم که باید کاری کنم تا سختی و فشار روزهایی که پدر و مادرم تجربه کردند را حتی اگر شده از روی دوش یک خانواده بردارم.» حالا با تمام توان، به روستاهایی که شبیه به روکی سال‌های گذشته است، خدمت می‌کند و پای خیرین را به این روستاها باز کرده است: «اصلا زندگی با آب قشنگ‌تر است.»

شناسایی روستاهای محروم

اینجا و در روستاهای هیتان، سیف‌آباد و اسلام‌آباد دسترسی به بدیهی‌ترین نیاز انسان برای زندگی با مشقت و سختی و تاول پا همراه بود؛ آن‌قدر که یکی از اهالی سیف‌آباد می‌گوید: «رفتن به رودخانه و آب برداشتن و برگشتن به خانه کار هرروز ما بود، حتی گاهی روزی دو سه بار.» اما حالا دیگر نیست؛ چراکه خبر بی‌آبی سیف‌آباد به خیرینی در تهران و کرج رسید و با فرستادن مخزن و لوله و هرآنچه برای آبرسانی لازم بود، آب به خانه‌هایشان رسیده است.

اما آوازه زندگی سخت اهالی روستاهای اطراف نیک‌شهر چطور به همه‌جا رسیده است؟ حسین اصغر روکی می‌گوید: «سال ۹۸ بود که من به همراه دیگر کسانی که در سال‌های گذشته فعالیت‌های خدمت‌رسانی در مناطق بی‌بضاعت و محروم را انجام می‌دادیم به این نتیجه رسیدیم که در حال حاضر، باید تمام تمرکزمان را روی آبرسانی به روستاهایی که دسترسی به آب ندارند بگذاریم.» موضوعی که زندگی را بر اهالی روستاها سخت و سخت‌تر کرده بود.

برای همین هم در قدم اول، به شناسایی همه مناطق و روستاهایی پرداختند که برای تهیه آب مورد نیاز برای استحمام، شست‌وشو و حتی آب آشامیدنی، لازم بود تا بزرگ و کوچک خانواده دبه به دست خودشان را به چشمه و رودخانه برسانند و آب بیاورند. موضوعی که تنها برای امروز و دیروز و وقوع یک بحران نیست بلکه سال‌هاست که این روستاها از پدیده‌ای به نام آب لوله‌کشی محروم هستند: «برای همین هم با کمک خیرین، اهالی و هیات امنای مسجد الزهرای نیک‌شهر، اداره آب و فاضلاب، بسیج و... تیمی را تشکیل دادیم تا همه این روستاها شناسایی شوند.» اتفاقی که رخ داد و فهرستی بلندبالا از ۲۰۰ روستای محروم از آب تهیه شد که در این بین، مشخص شد که وضعیت دسترسی ۵۰ روستا به آب از دیگر روستاها سخت‌تر و دشوارتر بوده است. روستاهایی که نه‌تنها باید آب مورد نیازشان را از چشمه و رودخانه بیاورند بلکه این چشمه‌ها در دورترین نقطه از محل زندگی اهالی روستا است. گاهی چند صد متر و گاهی چند کیلومتر.

آب‌رسانی قطره‌ای

اما زندگی اهالی روستا در چنین وضعیت بغرنجی مورد توجه مسؤولان شهرستان نیست؟ سؤالی که تعجب‌مان از وضعیت این روستاها را نشان می‌دهد.

اما آقای روکی درباره آن می‌گوید: «بی‌انصافی است اگر بگوییم رسیدگی به آب این روستاها انجام نشده چون واقعا شده ولی این موضوع آن‌قدر گسترده است و این روستاها آن‌قدر پراکندگی دارند که رسیدگی به هرکدام از آنها زمانی بسیار طولانی می‌خواهد.» این طور که روکی می‌گوید مثلا مسیر رفتن از مرکز شهر تا آخرین روستا، آن‌قدر صعب‌العبور است که ممکن است بیشتر از ۵ ساعت طول بکشد. برای همین است که دیده‌ها و شنیده‌ها و آماری که از روستاهای اطراف شهرستان نیک‌شهر وجود دارد می‌گوید که کار آبرسانی به برخی از این روستاها انجام شده و قرار است همچنان ادامه یابد اما آنچنان هم تند و سریع نیست و کسی منکر کندی سرعت این روند نمی‌شود. اتفاقی که به‌واسطه تیم آقای روکی و خیرین، سرعت بیشتری به خودش گرفته است. آن‌قدر که روستایی که قرار است در ۱۰ سال آینده نوبتش بشود و بودجه برسد، در همین روزها آبرسانی می‌شود.

یک تماس، یک کار بزرگ

«می‌خواهیم آب به روستا برسانیم؛ ۳۰۰۰ متر لوله نیاز داریم.» این جمله شاید خلاصه‌ترین تعریف از کار مهمی است که آقای روکی و تیمش انجام می‌دهند. این‌که صدای بی‌آبی اهالی روستا را به گوش خیرین و مؤسسات خیریه می‌رسانند. روستای اسلام‌آباد یکی از همین روستاهای بدون آب بود؛ روستایی با جمعیت ۸۰۰ نفر که در ۱۲۰ کیلومتری نیک‌شهر قرار دارد: «تنها ۴۰۰ متر لوله و مخزنی بتونی باعث شد که مردم روستا برای اولین‌بار به‌راحتی به آب دسترسی داشته باشند.» روستای هیتان هم یکی دیگر از همین روستاها بوده‌است.

حالا هرکسی که دسترسی به آب ندارد، می‌داند که باید نه سراغ اداره آب و فاضلاب که احتمالا زمان زیادی طول می‌کشد تا به نتیجه برسد بلکه سراغ حسین اصغر روکی برود: «یکی از اهالی هیتان سراغ من آمد و از مشکلات سخت دسترسی‌شان به آب گفت. همین باعث شد که من با وسیله شخصی، به روستای هیتان بروم و از وضعیت زندگی مردم و دسترسی دشوارشان به آب، فیلم و عکس تهیه و بعد آن را برای خیریه‌های مختلف ارسال کردم. آنها هم تنها یک سوال از من پرسیدند؛ این‌که این روستا برای این‌که به آب دسترسی پیدا کند چه چیزی نیاز دارد؟» آن‌وقت است که خیریه‌ای مانند خیریه حاج‌اکبر ابراهیمی در تهران و سفیر کرامت در کرج پای کار آمدند و متناسب با نیاز هر روستا، لوله، پمپ فشار قوی و ابزارآلاتی برای دسترسی به آب در اختیار تیم آقای روکی قرار دادند. حالا آقای روکی با یک تلفن و یک زنگ به خیرینی که به نیت او و تیم اجرایی این کار اطمینان دارند، ابزارآلات لازم برای دسترسی به آب را به چندین و چند روستا می‌رساند.

محبت برادری

زندگی +

اما همه این ماجراهای آبرسانی، یک نقطه‌عطف بزرگ در بین مردمان این دیار داشت و آن هم پیوند بین همشهری‌های سنی و شیعه شهرستان نیک‌شهر بوده است؛ چراکه اغراق نیست اگر بگوییم ۹۹ درصد از اهالی شهرستان نیک‌شهر و روستاهای آن، اهل سنت هستند: «مردمانی که رسم و رسوم و منش خاص خودشان را دارند اما با ما حسابی دوست و رفیق شده‌اند.»

آقای روکی از تغییرات چشمگیر رفتاری در بین اهالی این شهر و روستا می‌گوید. انگار که دیگر تنها حرفی که در بین مردم زده نمی‌شود درباره همین تفاوت است؛ هرچه هست، خدمت است و برادری: «ما با امام جماعت و دهیارهای اهل سنت این روستاها ارتباط خیلی خوبی پیدا کرده‌ایم.»

اهالی روستا هم که تا چشم‌شان به آقای روکی و تیم خدمت‌رسان می‌افتد، جز تشکر و قدردانی چیزی بر زبان نمی‌آورند: «راستش را بخواهید این روزها تعامل بهتری با هم داریم. اصلا شاید آبرسانی باعث یک کار فرهنگی بزرگ هم شده باشد.» البته که دور از ذهن هم نیست: «حالا در خانه‌هایشان با صمیم قلب به روی ما باز است و هر بار که ما را می‌بینند به وعده شام و ناهاری دعوت‌مان می‌کنند.»

یادداشت:
محسن ولیئی
مدیرعامل مجمع خیرین استان تهران

نگاه مهربان به مؤسسات خیریه

در سال‌های اخیر، خصوصا در ۷-۶ سال گذشته، مراکز خیریه و نهادهای مردمی، هم از نظر کیفی و هم از جنبه کمی، توسعه خیلی زیادی پیدا کرده و خدمات بسیار ارزنده‌ای که برخاسته از خود مردم هست، به اقشار آسیب‌زده جامعه ارائه می‌شود. البته که با وجود این، همچنان دهک‌های پایین جامعه به دلیل وضعیت بد معیشت به وضعی رسیده‌اند که در گذران زندگی معمول خود و خانواده‌شان مشکلاتی دارند. در واقع به همین نسبت که در توسعه فعالیت‌های خیریه اقدامات خوبی انجام شده اما به همین نسبت فقر هم زیاد شده و این مسؤولیت مؤسسات خیریه را سنگین‌تر از قبل کرده است.

نمونه‌اش ورود این مؤسسات به موضوع آبرسانی به مناطق محروم جامعه است. این روزها، خیریه‌های متعددی هستند که به صورت اختصاصی در این حوزه فعالیت می‌کنند؛ آن‌قدر که به‌تازگی خیریه‌ای تحت عنوان مؤسسه خیریه نذر آب در تهران مجوز گرفته است که اعضای آن گروهی از متخصصان بازنشسته وزارت نیرو و آبفا هستند که در این حوزه، خدمات خوبی ارائه می‌دهند. در همین رابطه، خیریه دیگری فعالیت می‌کند که بیشتر از ۵۸۰ پروژه آبرسانی در سطح کشور خصوصا در استان سیستان‌وبلوچستان، خراسان‌رضوی، قم، مازندران و ... را دنبال می‌کند که هرکدام از این پروژه‌ها نیازمند مبالغی از ۲۰۰ میلیون تومان تا یک میلیارد هستند؛ مبالغی که بدون هیچ‌گونه کمک از آبفا و سازمان‌های دولتی دیگر، شخصا از محل این مؤسسه تامین می‌شود و آب را به داخل خانه‌های مناطق محروم از آب می‌رساند.

اما یکی از موضوعاتی که در مؤسسات خیریه همیشه قابل توجه و رسیدگی بوده است، موضوع مجوز و نظارت است. واقعیت این است که روند مجوزگیری این مؤسسات با سختگیری‌های بسیار فرسایشی روبه‌رو است که بعضا برخی از متولیان امر، عطای مجوز گرفتن را به لقایش می‌بخشند؛ آن‌قدر که دوسوم از مؤسسات خیریه‌ای که این روزها در حال فعالیت هستند، مجوز فعالیت ندارند. از طرف دیگر، اگر مؤسسه‌ای بعد از زمانی طولانی و نزدیک به دو سال، مجوز بگیرد، بعد از آن با نظارتی جدی از طرف سازمان‌های مربوط روبه‌رو نمی‌شود. در واقع در زمان اخذ مجوز، سختگیری بسیار زیادی می‌شود اما نظارت که در مرحله بعد از مجوز قرار دارد، به‌خوبی انجام نمی‌شود؛ روندی که انتظار ما این است که هردوی آنها در سطحی قابل‌قبول انجام شود.

در نهایت هم فکر می‌کنم اگر نگاه سازمان‌های دولتی مانند بهزیستی، کمیته امداد، هلال‌احمر و ... نسبت به مؤسسات خیریه، مهربانانه‌تر باشد، با وضعیت بهتری از فعالیت‌های خیرخواهانه روبه‌رو خواهیم بود؛ چراکه توجه و احترام سازمان‌های دولتی به مؤسسات خیریه می‌تواند در جذب و ترغیب جوانان برای روی‌آوردن به فعالیت‌های عام‌المنفعه کارساز باشد.

حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۳۰۰۴۴۴۴

#فرهنگ_واکسن

اشرفی‌پور از سمنان:

در حالی که خوشبختانه وضعیت واکسیناسیون به مرحله قابل قبول و خوبی رسیده است اما همچنان افرادی هستند که تمایلی برای تزریق واکسن ندارند؛ برای همین هم به نظر می‌رسد این روزها بیشتر از هرچیز به فرهنگ‌سازی برای آگاهی بیشتر مردم جامعه در این زمینه نیاز داریم تا به امید خدا، یک ایمنی جمعی در کل کشور حاصل شود.

#قیمت_برنج

محمودی از تهران:

این روزها در حالی قیمت برنج روزبه‌روز بیشتر می‌شود که در فصل برداشت برنج هستیم و اتفاقا قیمت برنج باید ارزان‌تر از بقیه ماه‌های سال باشد. امیدوارم مسؤولان به این موضوع که قوت غالب بسیاری از مردم برنج است و نباید در سفره‌های مردم کمرنگ شود، رسیدگی کنند.

#واکسن_اربعین

شفیع از تهران:

درباره واجدان شرایط سفر به کربلا در مراسم اربعین، خبرهای متفاوتی منتشر می‌شود؛ یک‌بار می‌گویند فقط کسانی که دو دوز واکسن زده‌اند می‌توانند به اربعین بروند و اما بار دیگر سامانه مربوط به این سفر، برای کسانی که یک دوز واکسن زده‌اند هم باز است و امکان ثبت‌نام دارند. شاید بهتر باشد یک تصمیم واحد برای این سفر که آرزوی بسیاری از ایرانی‌هاست، گرفته شود.

#قبض_برق

شهروندی از تهران:

در بسیاری از خانه‌های نوساز، سیستم داکت اسپیلت برای سرمایش و گرمایش خانه در نظر گرفته می‌شود، فارغ از این‌که ممکن است چه قبض برق سرسام‌آوری برای اهالی خانه که در طول مدت تابستان، از این سیستم به مدت زیاد استفاده کرده‌اند، صادر شود. کاش برای این سیستم‌ها تعرفه مشخصی در نظر گرفته شود.

#ضمانت_وام

اطهری از اصفهان:

به نظر می‌رسد روند رسیدگی به متقاضیان دریافت وام‌های مختلف، دشوار است. متاسفانه ظاهر ماجرا این است که بانک‌ها به زوج‌های جوان و مستاجران وام‌های خوبی می‌دهد تا برخی مشکلات این افراد را حل کند اما وقتی به مرحله اجرایی شدن می‌رسد، شرایط سختی پیش پای تقاضاکنندگان وجود دارد؛ ابتدایی‌ترینش هم نیاز به یک یا دو ضامن دولتی و رسمی است که همه افراد، به چنین ضامن‌هایی دسترسی ندارند.